

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهافت**

سال هفدهم، شماره ۶۴، پاییز ۱۴۰۲
صفحه ۶۷ تا ۸۶

نزاع‌های گفتمانی در ایران پس‌انقلابی: مطالعه موردی انتخابات ریاست جمهوری

سامان ستوده نیا / دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران
مهدی حسینی باقری / استادیار گروه علوم سیاسی واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران (نویسنده
مسئول) Mehdi.hassanibakri@gmail.com

بهناز اژدری / استادیار گروه علوم سیاسی واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران
چکیده

مشروعیت دولت از مسائل مهم و اساسی حکمرانی است. مشروعیت باعث می‌شود نهادهای سیاسی موجود توجیه اخلاقی پیدا کنند چرا که می‌خواهند نشان بدهند معطوف به تامین خیر عمومی‌اند. این مقاله با محور قرار دادن دگرگونی گفتمان‌های سیاسی پس‌انقلابی در پی پاسخ به این پرسش است که گفتمان‌های سیاسی شکل گرفته پس از انقلاب اسلامی ایران چه نقشی در مشروعیت‌بخشی به جمهوری اسلامی داشته‌اند؟ فرضیه مقاله بر آن بوده که نزاع‌های گفتمانی انتخابات ریاست جمهوری از گفتمان اصلی انقلاب تغذیه کرده‌اند و به همین دلیل، به‌رغم تقابل‌های جناحی، ولی در نهایت درون گفتمان انقلاب قرار داشته‌اند و آن را تقویت کرده‌اند. مقاله با بهره‌گیری از سه‌گانه مشروعیت وبری برای گفتمان‌های موجود پنج‌گانه به یک تحلیل استنباطی برای هر گفتمان دست یافته که هرکدام از آنها بر یکی از سه‌گانه مشروعیت وبری دال‌های خود را مبتنی و متمرکز کرده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داده که هر یک از گفتمان‌ها یکی از دال‌های گفتمان انقلاب را به دال مرکزی خود بدل کرده، لذا در نهایت نه در تضاد با آن بلکه در راستای تقویت گفتمان انقلاب عمل کرده‌اند. رویکرد مقاله تحلیل گفتمانی و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است
کلیدواژه: مشروعیت، گفتمان‌سازی، گفتمان اصلاحات، گفتمان عدالت، گفتمان اعتدال، جمهوری اسلامی ایران.

تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۱

مقدمه

دولت‌ها همواره سعی دارند که خود را مشروع جلوه دهند، این واژه معانی متفاوتی را در ذهن متبادر می‌سازد. برخی آن را قانونی، برخی قواعد حقوقی و بسیاری جنبه عملکردی آن را در نظر دارند. این تعاریف می‌تواند مرتبط با سرزمین‌های مختلف باشد. مشروعیت هر نظام سیاسی در ادوار مختلف و در سرزمین‌های مختلف ناشی از عوامل اجتماعی، ساخت اجتماعی، قدرت تحرک اجتماعی، عامل اقتصادی، رویکرد فرهنگی و فردی هر جامعه می‌تواند منطبق باشد. می‌توان گفت؛ مشروعیت‌ها در هر سرزمین و نظام سیاسی به عوامل گوناگونی ارتباط دارد. در ایران نیز با توجه به ویژگی‌های تاریخی فرهنگی، حوادث و بحران‌ها، شکاف‌های اجتماعی مختلفی به وجود آمده است، مانند ورود اسلام، گسترش تشیع، ورود اندیشه‌های مدرن، تعارض دین و دولت، مذهب و سکولاریسم منابع متعددی را نیز می‌توان برای مشروعیت از دیدگاه افراد و جریان‌های مختلف بیان کرد که با وقوع انقلاب اسلامی این رویکرد جنبه‌ای فقه‌ای با محوریت «ولایت فقیه» شکل گرفت.

در این میان مشروعیت دولت‌ها در بافت هر سرزمین دارای ویژگی‌های مختص به خود بوده که حاکمان همواره سعی دارند خود را مشروع جلوه دهند و بتوانند اهداف خود را به سرانجام رسانند. این عمل از طریق رضایت، زور، قانون، نهادهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کارساز است که در حکمرانی، حکومت و دولت‌مداری اصلی مهم برشمرده می‌شود. به نوعی؛ مشروعیت دولت‌ها یکی از مسائل اساسی در امر حکومت و دولت‌مداری است. مشروعیت، قدرت دولت را حقانی، قانونی و در نتیجه در نزد مردم قابل تحمل می‌سازد. دولتی که بر اساس زور ایجاد شود هرچه قدر هم قدرتمند باشد و تمام امکانات نظامی و قهر آمیز را در اختیار داشته باشد باز هم دوام نخواهد یافت و به محض فروپاشی دستگاه زور، دولت هم واژگون خواهد شد. به همین دلیل سعی و تلاش همه دولت‌ها آن است زور و قدرت عریان را با به کارگیری و استفاده از عوامل مختلفی از قبیل ایدئولوژی، مذهب، عرف، سنت، آداب و رسوم، قانون، نسب خانوادگی، شایسته سالاری، اشراف‌سالاری، نژاد، خواسته و رای مردم و رضایت مردمی اقتدار تبدیل کنند (بیتهام، ۱۳۹۰: ۱۱).

سابقه طرح مفهوم مشروعیت را شاید بتوان برای نخستین بار در آثار و مباحث افلاطون به ویژه در رابطه با عدالت جستجو کرد. در واقع افلاطون نخستین کسی بود که نظریه‌ای درباره دولت و مبانی مشروعیت آن طرح کرد وی در کتاب جمهوری خود عدالت را پدیدآورنده مشروعیت حکومت می‌داند و معتقد است که مشروعیت همانند رشته‌ای مردم را به هم پیوند می‌دهد و به آنان هویت می‌دهد (کاسیرر، ۱۳۹۴: ۹۲).

اما همواره در ایران سه منبع مهم مشروعیت سیاسی در میان بوده است: منبع ملی - سرزمینی ایرانی، منبع اسلامی (بعد از اسلام) و منبع مدرن (متاثر از مدرنیته). منبع ملی مشروعیت خود را از اندیشه‌های ایران باستان و حکومت پادشاهی موروثی گرفته است. بر مبنای این منبع، شاه نماینده خدا در زمین است و اطاعت از شاه، اطاعت خدا و نافرمانی از فرامین او، نافرمانی از خدا بود. ورود اسلام به ایران و گسترش تشیع در زمان صفویه، نظریه پادشاهی ایرانی را دچار بحران کرد. در دوره معاصر و به ویژه پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ مباحث ولایت فقیه، مطرح شد (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

اهمیت مسئله مشروعیت در شرایطی بهتر آشکار می‌شود که حکومت با کمبود محسوس آن مواجه شود. وضعیت حکومت سلطنتی در ایران پیشاانقلابی به روشنی از یک «حکومت غیرمشروع حکایت دارد. در سال‌های پس از انقلاب، مشروعیت ناشی از اقتدار کاریزماتیک امام خمینی (ره) بود. اما از سال‌های ۱۳۶۸ به بعد اقتدار کاریزماتیک که بیشتر در قالب نهاد ولایت فقیه نهادینه شده بود، به اقتدار روحانیت حاکم تبدیل شد و گروه‌های ذی نفوذ اصلی جامعه از جمله روحانیت مبارز، جامعه مدرسین و حوزه علمیه در شورای نگهبان، مجلس خبرگان، قوه قضائیه، مجلس و نهادهای دیگر نفوذ فعالی داشتند و اصولاً از بازار آزاد و سیاست خصوصی‌سازی حمایت می‌کردند. اما بعد از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶ قانون‌گرایی و توسعه سیاسی به عنوان گفتمان سیاسی غالب ظهور کرد و مفاهیمی مثل جامعه مدنی، آزادی و حقوق دموکراتیک در جامعه ایران تبلور یافت. پس از دوره اصلاحات، گفتمانی با محوریت «عدالت خواهی»، بر تقویت بنیه اقشار فقیر و عدالت در توزیع ثروت با ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد حاکم شد و سپس گفتمانی با شعار ترمیم رابطه با جهان و رفع تحریم‌های بین‌المللی ناشی از برنامه‌های اتمی ایران توسط حسن روحانی بر سرکار آمد. بنابراین شاهد هستیم که گفتمان‌های سیاسی شکل گرفته پس از انقلاب اسلامی ایران به نوعی در داخل ساختار جمهوری اسلامی جای دارند و با توجه به اقتضائات داخلی و ساختار سیاسی، به نظر می‌رسد مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی را در پی داشته است، چرا که هر یک از این گفتمان‌ها یکی از دال‌های گفتمان انقلاب را به دال مرکزی خود بدل کرده است. به عبارتی؛ تطور گفتمان‌های سیاسی با توجه به طرح مساله پس از انقلاب در مشروعیت نظام در دوره‌های گوناگون؛ تثبیت، سازندگی، اصلاحات، عدالت‌گرایی و اعتدال با توجه به اقتضائات برخاسته از خواست نسبی جامعه، نظام سیاسی و شرایط بین‌المللی بوده که شکل گرفته و در ساختار جمهوری اسلامی ایران توانسته است نوعی مشروعیت را حاصل کند.

چارچوب نظری مقاله استفاده از سه گانه مشروعیت ماکس وبر بوده که شامل؛ مشروعیت سنتی، مشروعیت کاریزماتیک و مشروعیت قانونی است که هر یک از گفتمان‌های؛ تثبیت، سازندگی، اصلاحات، عدالت و اعتدال دال مرکزی را بر یکی از این نوع از مشروعیت‌ها قرار داده‌اند اما در نهایت؛ نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران محصول اسلام سیاسی فقاهتی و مهمترین دال این گفتمان «ولایت فقیه» است و همه نشانه‌ها حول محور ولایت فقیه با تطور گفتمان‌های متفاوت مفصل‌بندی شدند و مشروعیت خود را براساس یک مشروعیت به کار برده‌اند که حاصل این تحقیق است.

روش پژوهش

اگرچه رویکرد مقاله تحلیل گفتمانی است، ولی روش پژوهش در همین چارچوب با نوعی از بومی‌سازی از نوع روش استنباطی-تحلیلی است. در ابتدا به توصیف گفتمان‌های سیاسی در جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود و سپس به استنباطی از این توصیفات رسیده خواهد شد. روش استنباطی-تحلیلی روشی مرکب از روش «اجتهاد» مرسوم در حوزه‌های علمیه و روش «تحلیل مضمون» (Theme analysis) است. در این روش، می‌توان کدها و زیر مقوله‌هایی را استخراج کرد و با تحلیل بیشتر بر اساس روش «تحلیل تم» (مبتنی بر داده‌های متنی)، می‌توان مضمون‌ها را از زیر مقوله‌های به دست آمده در روش استنباطی استخراج نمود (خلیلی، پورعزت و جعفری، ۱۳۹۷: ۹۴). هرچند گفتمان خود، یکی از روش‌های جدید پژوهش در حوزه علوم انسانی محسوب می‌شود، اما در اینجا با بهره‌گیری از گفتمان‌های موجود پنج‌گانه استنباط حاصل شد که از این روش، بهتر می‌توان پاسخ به سوال اصلی را داد. داده‌های مقاله از طریق صحبت و عملکرد رهبران این گفتمان‌ها، منابع کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شده‌است.

پیشینه تحقیق

حسینی قائم مقامی (۱۳۷۹) در کتاب «قدرت و مشروعیت» صرفاً رویکردی نو و نقادانه به نظریه‌های مشروعیت در ولایت فقیه دارد و به صورت تخصصی به گفتمان‌های محصول و شکل گرفته از نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

نادری بنی (۱۳۹۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی ارکان مشروعیت در نظام جمهوری اسلامی ایران براساس الگوی دیوید بیتهام»؛ معتقد است، گرچه ماکس وبر نخستین نظریه پرداز است که از منظر جامعه شناسی درصدد الگوی نظام مند از مشروعیت برآمد لیکن به رغم نقش و جایگاه انکار نشدنی وی، تعریف او از مفهوم مشروعیت مورد انتقادات

فراوانی قرار گرفته است. که از جمله منتقدین، به دیوید بیتهم اشاره می‌کند که با به چالش کشاندن برداشت وبر از مشروعیت درصدد الگویی جایگزین برآمده است.

ضیایی (۱۳۸۸) در اثری تحت عنوان «بررسی رابطه بین زبان اقتدار با مشروعیت دولت‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی سخنان امام خمینی(ره)» بیان می‌کنند که در حکومت دموکراتیک، اراده مردم مبنای اصلی قدرت سیاسی و دولت مظهر اراده ملی است و مشروعیت آن از خواست و اراده عمومی منبث می‌شود و تداوم مشروعیت این نهادها در اعمال قدرت سیاسی به میزان توانایی آن‌ها در کسب رضایت عمومی بستگی دارد.

بیژنی و همکاران (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه مشروعیت قانونی در گفتمان سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶-۱۳۵۷)» به مطالعه تحول گفتمان‌های سیاسی مطبوعات در حوزه تعامل دین و دولت در ایران با تأکید بر انواع سه‌گانه مشروعیت قدرت سیاسی اندیشه ماکس وبر می‌پردازند.

۴. چارچوب نظری

چارچوب نظری مقاله نظریه مشروعیت وبری است. از این طریق می‌توان به بررسی گفتمان‌های پنجگانه دوره جمهوری اسلامی پرداخت و نسبت آنها را با مشروعیت سنجید و بررسی کرد که این گفتمان‌ها سعی داشته‌اند با توجه به شرایط و اقتضائات موجود در جذب مردم به سمت «مشروعیت» در حرکت باشند، از آن رو که: «مشروعیت، توانایی هر نظام در ایجاد و حفظ این باور است که نهادهای سیاسی موجود، برای جامعه مناسب‌ترین است» (لیپست، ۱۳۸۳: ۲۵۰).

به عبارتی؛ مشروعیت را معمولاً به عنوان حق اعمال حاکمیت و قدرت تعریف می‌کنند. سیاست از جهت مشروعیت ارتباط فرمان و فرمان‌پذیری دارد و تمامی نظام‌های سیاسی با مساله مشروعیت درگیر هستند و از شهروندان خود انتظار دارند که با میل و رغبت و از روی اعتقاد نه صرفاً به خاطر مسایل شخصی و یا به خاطر عادت‌ها و یا ترس‌ها از احکام دولت‌ها اطاعت کنند. به عبارتی می‌توان مشروعیت را حق اخلاقی و انحصاری یک نهاد برای تحمیل تکالیف الزام آور بر گروه یا فرد و اجبار آنان به این تکالیف تعریف کرد (Kurian, 2011: 947). برخی مشروعیت را «توجیه عقلی اعمال قدرت حاکم» دانسته‌اند (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۹). مشروعیت در ناحیه حاکمان و اعمال کنندگان حاکمیت و مشروعیت در ناحیه حکومت شوندگان و پذیرندگان حاکمیت (رجایی، ۱۳۶۹: ۹-۲). در حکومت‌های دوران جدید که بازتابی از جامعه تلقی می‌شوند و منبع مشروعیت آنها در درون جامعه جستجو می‌شود، مسأله مشروعیت عموماً از دیدگاه مردم و حکومت شوندگان قابل بحث و بررسی است (زارع،

۱۳۸۰: ۲۳). «ماتیه دوگان» در توضیح معنای مشروعیت می‌گوید: «مشروعیت باور بدین امر است که اقتدار حاکم بر هر کشور مفروض، محق است فرمان صادر کند و شهروندان موظفند به آن گردن نهند» (دوگان، ۱۳۷۴: ۴).

مفهوم مشروعیت به لحاظ واژگانی با واژه‌هایی همچون legal, legacy, legislation، (تقنین، قانونی، میراث)، هم ریشه بوده و معادل «قانونیت» یا «حقانیت» است و با توجه به تعاریف بالا به نظر می‌رسد یک اصل برای بررسی مشروعیت در همه جنبه‌ها باشد، اینکه در مشروعیت «دو طیف» وجود دارد، برخی که حاکم هستند و قدرت را در دست دارند و اعمال قدرت می‌کنند و افرادی که عموم جامعه هستند و قدرت را در دست ندارند و اعمال قدرت می‌شوند. در همین راستا «سه‌گانه» مشروعیت وبری طرح می‌شود. مشروعیت سه گانه از دید ماکس وبر عبارتند از:

الف) مشروعیت عقلانی - قانونی؛

ب) مشروعیت سنتی؛

ج) مشروعیت کاریزمایی؛

مشروعیت عقلانی - قانونی

به بیان وبر، مشروعیت عقلانی متکی بر قبول اعتبار ایده‌های متقابل مرتبط ذیل می‌باشد:

۱- هر قانونی می‌تواند از طریق توافق یا تحمیل، بر اساس مصلحت یا ارزش‌های عقلایی یا هر دو، به منظور جلب اطاعت اعضای تشکیلات وضع شود و این امر معمولاً به کلیه افرادی که در حیطه قدرت تشکیلات هستند، تسری می‌یابد.

۲- هر مجموعه قانونی، شامل نظامی هماهنگ از قواعد مجرد است که به عمد وضع شده‌اند. به علاوه، اداره کردن قانون شامل کاربرد این قواعد در موارد خاص است و این همان فرآیند پیگیری علایقی است که در نظم حاکم بر تشکیلات در محدوده تعیین شده بواسطه احکام حقوقی و در پیروی از اصولی که به نحو کلی قابل تدوین بوده و در نظم حاکم تأیید شده، می‌باشد.

۳- ما فوق (در هر رده‌ای حتی رئیس جمهور) با دستور دادن از نظام غیر شخصی اطاعت می‌کند.

۴- اطاعت اعضای تشکیلات از مافوق، فرمانبرداری نه از شخص او، بلکه از نظم غیر شخصی است. بنابراین، تعهد به وفاداری، فقط در حیطه‌ای که به نحو عقلایی محدود شده و بر اساس نظم به وی واگذار شده وجود دارد (وبر، ۱۳۷۴: ۲۷۵ و ۲۷۶).

مشروعیت سنتی

در اندیشه وبر، مشروعیتی سنتی نامیده می‌شود که مشروعیت آن بر اساس تقدس قدرت سرور و نظام‌هایی که از قدیم وجود داشته‌اند، باشد. در اینگونه نظام‌ها، حکام بر پایه قواعد سنتی نصب می‌گردند و از آنان به سبب احترامی که سنت برایشان قائل است، پیروی می‌شود. از «پیر سالاری» و پاتریمونیالیسم اولیه یا «پدر سالاری»^۱ می‌توان به عنوان انواع اولیه مشروعیت سنتی نام برد. در این نوع مشروعیت، قدرت، آزادانه در تصاحب سرور نیست، بلکه سرور شدیداً وابسته به میل فرمانبرداری احباب است. در واقع، اعضای گروه پیروان، هنوز احباب هستند تا رعایا. در عین حال، به سبب سنت احباب هستند نه به سبب قانون. بنابراین آنان ناچار از اطاعت سرورند و قانون موضوعه‌ای در کار نیست؛ گرچه اطاعت آنان از سرور نیز به لحاظ سنت است و از این حیث، سرور نیز خود قویاً وابسته به سنت است و سنت به گونه قانونی نانوشته، بر دست و پای سرور و احباب پیچیده شده است (وبر، ۱۳۷۴: ۳۲۸).

مشروعیت کاریزمایی (فرهی)

«کاریزما» یا فره را به معنای صفت فوق‌العاده‌ای که از طریق جذب فرد حاصل می‌شود و شخصیت کاریزمایی، شخصیتی است که بخاطر صفات، حالات، گفتار و رفتاری که دارد جذاب است. از نظر وبر؛ شخص صاحب کاریزما باید بتواند ویژگی خود را در مدت زمان طولانی حفظ کند و دلیل برجستگی او و نافع بودن او در اندیشه پیروان همچنان محفوظ بماند. به عقیده وبر اگر شخص صاحب کاریزما برای مدت طولانی بدون ویژگی کاریزما بماند، بویژه اگر رهبری وی نفعی به حال پیروان نداشته باشد، بسیار محتمل است که وی مشروعیت کاریزمایی خود را از دست بدهد (وبر، ۱۳۷۴: ۳۹۹). کاریزما اصولاً با کنش‌های اقتصادی، میانه‌ای ندارد. رفتار رایج اقتصادی که در انواع دیگر مشروعیت‌ها قابل جمع با وجوه رفتاری زمامداران و حکام است، در این نوع مشروعیت پذیرفته نیست. کاریزمای خالص بطور اخص با ملاحظات اقتصادی بیگانه است و هر جا ظهور کند شامل یک دعوت قطعی، یک رسالت یا یک وظیفه درونی است. البته این امر در شکل کامل خود یک آرمان باقی می‌ماند تا یک واقعیت. یعنی چنین نیست که کاریزما همواره از دارایی یا فعالیت اقتصادی صرف نظر کند. آنچه مطرود است تا زمانی که نوع خالص کاریزما در کار است، اقتصاد روزمره سنتی یا عقلایی و کسب درآمد مقرر از طریق فعالیت اقتصادی مداوم می‌باشد. در واقع در حدبالایی هدایا، موقوفه‌ها و حتی رشوه و انعام زیاد یا گدایی، انواع کاملاً بارز تأمین معیشت کاریزما است. از سوی دیگر غنیمت قهرآمیز یا مسالمت‌آمیز نوع دیگر تأمین حوایج کاریزمایی است؛

^۱. - patriarchal

ولی از نقطه نظر فعالیت اقتصادی عقلایی، کاریزما یک نیروی غیر اقتصادی است و هر نوع درگیری در روال روزمره دنیوی را طرد می‌کند (وبر، ۱۳۷۴: ۴۰۱).

حال با عنایت به این چارچوب نظری، نزاع‌های گفتمانی در ایران پسانقلابی بررسی خواهد شد، و تلاش می‌شود تا با آزمودن فرضیه، پرسش اصلی مقاله پاسخی موجه بیابد.

۵. تطور گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی و مشروعیت سیاسی

در ایران پسانقلابی نزاع‌های گفتمانی متعددی وجود داشته است که در وجوهات مختلفی از ساختارهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بازتاب و تجلی داشته‌اند. یکی از عمده عرصه‌هایی که محملی برای تجلی گفتمانها بوده است، فضاهاى انتخاباتی است که نقطه اوج آن را می‌توان انتخابات ریاست جمهوری دانست، چرا که قوه اجرایی مستقیم‌ترین تاثیر را بر حیات روزمره ملت دارد، و از همین رو، مردم نسبت به آن حساسیت خاصی دارند. در این بازه زمانی گفتمان‌های متمایز بروز و ظهور داشته‌اند:

گفتمان تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران

گفتمان سازندگی از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۶

گفتمان توسعه سیاسی (اصلاح طلبی) از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴

گفتمان عدالت محوری

گفتمان تدبیر و امید

۵-۱- گفتمان تثبیت انقلاب

گذار از جنبش (movement) به نهاد (Institution) یکی از اصلی‌ترین مراحل تحولات پسانقلابی است، لذا ظهور یک گفتمان تثبیت در ایران بعد از انقلاب اسلامی امری طبیعی بوده است. گرچه دولت موقت اندیشه‌های لیبرالی را در چارچوب نهضت آزادی و نیروهای ملی - مذهبی دنبال می‌کرد، اما به زودی و با استعفای آن، جای خود را به یکی از اصلی‌ترین گفتمان‌های پس از انقلاب، یعنی گفتمان اسلام سیاسی که مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی (ره) بود سپرد. در این گفتمان به طور مشخص، «دیگری» نظام گذشته در چارچوب نظام جمهوری اسلامی که مختصات اصلی خود را در قانون اساسی یافته بود، نمود می‌یافت. ویژگی اصلی این گفتمان وجه کاریزماتیک رهبری امام خمینی (ره) بود. امام خمینی توانست با مدیریت بحران گروگانگیری، آمریکا را در سطوح منطقه و بین‌المللی تحقیر کند و به ملت‌ها و دولت‌ها جرات بخشد تا علیه آمریکا اقدام کنند. مقامات آمریکایی درگیر در بحران، به این نکته اعتراف کردند که پرستیژ بین‌المللی خود را پس از این اتفاق در خطر دیده‌اند. در واقع؛ تفاوت‌های مشروعیت در این دوره با شرایط دوران مبارزه در زمان شاه بیشتر نمایان می‌شود.

در این دوره با توجه به استقرار جمهوری اسلامی اختلاف‌های فکری مهمی در مبانی اندیشه‌ای قبل و بعد از انقلاب در سیاست داخلی و خارجی وجود داشت. در واقع اندیشه حکومت اسلامی و نظریه ولایت فقیه با مشخصاتی که امام خمینی مطرح نمودند، انقلابی معرفتی در فقه سیاسی شیعه به شمار می‌رود. دیدگاه امام با طرد سکولاریسم منجر به طرح نظریه‌ای شد که با تاثیر از بی‌قراری‌ها و آشفتگی جامعه ایرانی و در پی غیریت‌سازی‌ها و منازعه‌های گفتمانی شکل گرفته و به گفتمان هژمونیک تبدیل شده است.

گفتمان انقلابی امام از «مراحل نخستین اقدام انقلابی» تا وصیت‌ها و ارشادها؛ کاملاً با یکدیگر مطابقت دارد؛ و اگر این ثبات و یکدستی معنا و مفهومی داشته باشد، معنای آن جز این نیست که امام (ره) سعی در تاسیس دولتی انقلابی داشت، که نه تنها مصداقی برای ارایه یک گفتمان باشد بلکه تضمینی برای استمرار و پیوستگی آن نیز به شمار آید (رئوف، ۱۳۹۳: ۱۷). اساساً گفتمان تثبیت به دنبال آن بود که دال مرکزی گفتمان انقلابی را که همانا برقراری جمهوری اسلامی بود متحقق کند. این گفتمان بیش از هر چیز به دنبال اثبات امکان عملی شعارهایی بود که در طی فرایند انقلابی طرح شده بود. از سویی دیگر این گفتمان، تنها گفتمانی بود که با دیگری خودش در حوزه‌هایی فراگفتمانی - ترورهای شهری و جنگ تحمیلی - رویاروی شد و مجبور بود به آنها پاسخ بدهد.

۵-۲- گفتمان سازندگی

با رحلت امام و پایان جنگ تحمیلی، مسئله رفاه و عمران و آبادانی که از جمله دال‌های مطروحه در گفتمان انقلاب اسلامی بودند در کانون توجه قرار گرفت. با فرونشستن فضای پر التهاب و سرشار از معنویت دوران جنگ تحمیلی، مهم‌ترین چالشی که در فضای انقلاب اسلامی آشکار شد، تشدید اختلاف‌های فکری و تهاجم فرهنگی غرب بود. پایان جنگ تحمیلی، برکناری آیت‌الله منتظری از قائم‌مقامی رهبری، درگذشت امام خمینی (ره) و گزینش رهبری جدید، بازنگری در قانون اساسی، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پایان جنگ سرد و نظام دوقطبی، زمینه‌ساز دگرگونی‌های ژرفی در نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران گردید، که مهم‌ترین برآیند آن، به حاشیه رانده شدن گفتمان چپ اسلامی ارزش‌مدار و روی کار آمدن «گفتمان اقتصاد آزاد و توسعه اقتصادی» بود؛ گفتمانی که از آن، با عناوینی چون «راست‌مدرن»، «راست عمل‌گرا»، «راست میانه‌رو»، «راست مصلحت‌اندیش» و «گفتمان سازندگی» نیز یاد می‌شود. سرچشمه اصلی این گفتمان را باید در نیمه دوم جنگ، و هنگامه روی کار آمدن و هژمونی‌یابی قطعی‌اش را پس از بازنگری قانون اساسی و روی کار آمدن هاشمی رفسنجانی، جست.

شرایط ویژه جنگ، امکان هرگونه برنامه‌ریزی بلندمدت و توسعه محور را از مسئولین پهنه‌های گوناگون می‌گرفت، اما پس از پایان جنگ، زمینه اندیشه‌ورزی در راستای پیشرفت همه‌جانبه کشور فراهم آمد. در کنار این بایستگی، الزام دیگری نیز در میان بود، از میان بردن جبران آسیب‌ها و ویرانی‌های جنگ هشت ساله (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۱۰۹). بنابراین گفتمان اقتصاد آزاد، می‌بایست مفصل بندی (articulation) خویش را به گونه‌ای سامان می‌داد که در کنار پوشش این نارسایی‌ها، گامی به پیش نیز به شمار بیاید. بدون تردید، دال مرکزی (nodal point) این گفتمان را باید به گرد مسائل اقتصادی جست (زیباکلام و اتفاق فر، ۱۳۸۷: ۱۳۰). اما باید اقتصاد آزاد و توسعه اقتصادی را نشانگان مرکزی این گفتمان دانست. در کنار این نشانه، نشانه‌های دیگری چون سازندگی، بازسازی ویرانی‌های جنگ، مدیریت علم محور به جای دین محور (برزین، ۱۳۷۸: ۵۹). بنابراین شاهد هستیم که گفتمان سازندگی که ناشی از شرایط پس از جنگ بود، به این صورت توانست مشروعیت نسبی را در پی حل بحران‌ها کسب کند (Zweiri & Ehteshami, 2008: 9). این گفتمان از آن جهت که می‌توانست دال‌های رفاه، پیشرفت، توسعه و آبادانی را که از دال‌های مطروحه در گفتمان انقلاب اسلامی بودند، نمایندگی کند، هم اقبال عمومی یافت و هم در پیوند با گفتمان انقلاب اسلامی بود. آرمانشهری که این گفتمان ترسیم می‌کرد، از جهات دیگری نیز در راستای گفتمان انقلابی قرار داشت، چرا که، آینده ایران را همچون «ژاپن اسلامی» ترسیم و تصویر می‌کرد. این تصویر در گریز از افق غرب و التفاتی به جهانی غیرغربی دقیقاً همان وجه غرب ستیز گفتمان انقلابی را بازنمایی می‌کرد. از همین رو، گفتمان سازندگی هم در دال مرکزی‌اش و هم در وضعیت آرمان‌شهری‌اش پدیده‌ای کاملاً منطبق با گفتمان انقلاب بود.

۵-۳- گفتمان اصلاح طلبی

پس از دوران سازندگی و تاکید آن بر توسعه اقتصادی، و تبعات ناشی از آن که بعضاً به انسداد سیاسی و ناهنجاری‌های اقتصادی و اجتماعی منجر شده بود، گفتمان جدیدی با نام اصلاحات، با تمرکز بر توسعه سیاسی شکل گرفت. این گفتمان که پس از جنبش دوم خرداد و تشکیل دولت اصلاحات توسط سید محمد خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۷۶) و در پی تحولی واسازانه در حیات سیاسی و اجتماعی مردم ایران پدید آمد، به آفرینش ارزش‌های جدیدی در عرصه سیاست و اجتماع و فرهنگ دست زد. گفتمان اصلاحات، با نارضایتی از وضع موجود، به برجسته‌سازی نشانه‌جمهوریت و دال مرکزی مردم دست یازید، و توسعه سیاسی و تکوین جامعه مدنی را دنبال کرد.

انتخابات دوم خرداد را در بن‌مایه آن باید آزمونی برای جامعه ایرانی، در باب گزینش میان نوگرایی و اصول‌گرایی دانست (حجاریان و راضی، ۱۳۷۴: ۲۲۳ - ۴۶). عناوین محورهای دوازده ماده‌ای خاتمی در جریان انتخابات سال ۷۶، به این شرح بودند: استقلال کشور و اقتدار ملت، حرمت انسان و حقوق و آزادی‌های قانونی، حاکمیت قانون و امنیت اجتماعی، وحدت اسلامی و وفاق ملی، روابط بین‌الملل و منزلت جهانی، خردمندی و حکمت، مشارکت و رقابت، عدالت گستری و تبعیض‌زدایی، دیانت و معنویت، فضیلت مجاهدت، سازندگی و توسعه پایدار و همه‌جانبه و دولت مقتدر، خدمت‌گزار و پاسخگو. جنبش دوم خرداد، در روشن‌ترین و آشکارترین صورت، گفتمان و جنبشی فرهنگی و اجتماع‌محور بود نه اقتصادی و یا صرفاً سیاست‌محور.

خاتمی در پی‌ارائه الگوی اسلامی - ایرانی توسعه و یا خوانش هماهنگ با اسلام و فرهنگ ایرانی از مدرنیته بوده است (Tazmini, 2009: 63-64). آرمان‌ها و هدف‌گذاری جنبش دوم خرداد بازیابی از مدرنیته کردن ساختار و عقلانی کردن سازمان بوروکراتیک آن و برپایی یک سامانه دولتی پاسخ‌گوتر و مسئول‌تر بوده است (Zweiri & Ehteshami, 2007: 6). خاتمی، حقیقت دموکراسی را به‌عنوان یک ارزش جهان‌شمول در سده کنونی می‌پذیرد؛ اما او در همین حال، هر گونه‌ای از دموکراسی را که ادعای «تنها و واپسین صورت بودن داشته باشد را، رد می‌کند و بر آن است دموکراسی باید در بستری از معنویت و اخلاق» صورت‌بندی شود (Zweiri & Ehteshami, 2008: 9). از دید این گفتمان، دموکراسی، به نیاز در راستای پاسداشت و اجرای قانون و درخواستی برای عدالت اجتماعی، ملی‌گرایی، پیشرفت و مدرنیته، بر آزادی‌های فرهنگی و روشن‌فکرانه، آزادسازی انقلابی، اصلاح مذهبی و حقوق فردی دلالت دارد (Gheissari & Nasr, 2006: 7). در چارچوب این گفتمان، انقلاب اسلامی جنبشی مدرن در راستای برپایی حکومتی دموکراتیک و استوار بر ارزش‌های دینی به شمار می‌آید (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۰۱).

گفتمان اصلاحات یا توسعه سیاسی از منظر دال دموکراسی خواهی و حاکمیت مردم و محوریت رای ملت، بازنمایی همان وجه آزادی‌خواهانه گفتمان انقلابی بود. مفاهیمی مانند آزادی، حق تعیین سرنوشت، مردمسالاری، آزادی بیان، فردیت، و انسان‌باوری که در این گفتمان طرح و دنبال می‌شد، در واقع نه دالهایی جدید و نوآیین - و یا به تعبیر غلطی که برخی از مخالفین ترویج می‌کردند: ماخوذ و مقتبس از غرب - بلکه تغلیظ همان مفاهیمی بود که در گفتمان انقلاب اسلامی مطرح شده بود. از همین رو، می‌توان گفتمان اصلاحات را

فرزند گفتمان انقلاب اسلامی دانست که با تاخیر تاریخی متولد شد. تاخیری که شاید اگر جنگ تحمیلی نبود، رخ نمی‌داد.

۴-۵- گفتمان عدالت‌محور

با پیروزی اصول‌گرایان، دولت نهم با شعار عدالت‌خواهی و بازتولید دوباره ثروت روی کار آمد. با تأکید محوری این گفتمان بر موضوع عدالت، می‌توان نظام معنای آنان را «گفتمان عدالت‌خواهی» نامید.

عدالت در متون اسلامی به عنوان اصلی‌ترین ویژگی حکومت و حاکم اسلامی بیان شده است. افزون بر این، عدالت از اساسی‌ترین ارزش‌های متعالی اسلام و انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. در این گفتمان عدالت رنگ و لعاب اقتصادی گرفته‌است. نشانه مرکزی این گفتمان در مبحث اقتصاد را انگاره عدالت توزیعی (Distributive justice) یا عدالت اجتماعی و بازتوزیع ثروت سامان می‌دهد (پژویان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸۸). این گفتمان بر پایه چهار اصل مفصل‌بندی شده بود: عدالت اجتماعی، مهرورزی، خدمت‌رسانی به مردم و توسعه همه‌جانبه کشور (Zweiri & Ehteshami, 2007: 64). محورها و ایستارهای برجسته تبلیغاتی احمدی‌نژاد، به ویژه در سال ۸۴ را مواردی چون دولت اسلامی، دگرگونی در نگاه مدیریتی کشور به بیت‌المال، ساده‌زیستی و صداقت‌مستولین، رویارویی با فساد و تبعیض، مبارزه با مافیای اقتصادی، عدالت محوری، بازگشت دولت به مردم، تأکید بر توسعه اقتصادی اسلامی، انتقاد از نظام بانکی، تمرکززدایی، ایستادگی در برابر تهاجم فرهنگی، حمله به توسعه سیاسی، آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم، سامان می‌دادند. گفتمان سیاسی احمدی‌نژاد از مفصل‌بندی برخی نشانه‌های گفتمان انقلاب و گفتمان سنتی دهه نخست جمهوری اسلامی سازمان یافته بود. او بر ولایت فقیه پافشاری داشت و تهاجم فرهنگی را جدی‌تر می‌گرفت. مردم در گفتمان وی، طنینی برابر توده‌گرایی و بسیج توده‌ای گفتمان سنتی دهه شصت دارد (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

این گفتمان، همچون گفتمان انقلاب داعیه‌های فراملی نیز داشت. در واقع؛ دولت احمدی‌نژاد، با گفتمان خاص خود پی‌برساختن سامانی نوین در پهنه بین‌المللی بود. وی با یک دگرسازی سنگین با غرب و به ویژه آمریکا و اسرائیل، به دنبال القای برخی انگاره‌های خویش به ساختار نظام بین‌المللی بود. چیرگی گفتمان عدالت اجتماعی و اصول‌گرایی، پیامدهای رفتاری ملموسی نیز در پی‌داشت (دهقانی، ۱۳۸۹: ۹۳-۹۴). از منظر داخلی این گفتمان با توجه به نیاز مردم به نوعی عدالت‌گرایی در جامعه و نادیده گرفتن بخش اعظمی از افراد جامعه بر محور دال مرکزی عدالت تکوین پیدا کرد تا بتواند میلیون‌ها ایرانی را که در طی دوران

سازندگی و اصلاحات از فشار تبعیض‌های طبقاتی از منابع عمومی محروم شده بودند، جذب خود کند. این گفتمان از منظر دال مرکزی و صورت بندی مفاهیمی که ارائه می‌کرد، و همچنین سیمای نماینده اصلی آن، بیشترین شباهت را به گفتمان انقلاب اسلامی داشت و از همین رو، نه تنها در فضای داخلی ایران، بلکه در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی همچون رویکردی رجعت‌گرا به سال‌های اولیه ایران پساانقلابی شناخته می‌شد. در تحلیل نهایی می‌توان گفت که این گفتمان خلف صالح گفتمان انقلاب اسلامی بود.

۵-۵- گفتمان دولت تدبیر و امید (اعتدال)

با بالا گرفتن مناقشه اتمی و ارسال پرونده ایران از آژانس بین‌المللی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل متحد، و تصویب قطعنامه‌های متعدد که در جهت تحریم‌های فلج‌کننده برای رعایت چارچوب‌های آژانس تنظیم شده بود، اوضاع اقتصادی رو به وخامت گذاشت و رابطه ایران با بلوک‌های اصلی قدرت محدود گردید و اینگونه احساس می‌شد که با اینگونه سیاست‌ها جامعه به سمت بن‌بست سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌رسد و حسن روحانی با گفتمان جدیدی که بازگشت به جامعه جهانی و حل مشکلات ناشی از پرونده اتمی را محور خود قرار داده بود روی کار آمد و با این شعار در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ شرکت کرد و توانست اکثریت قاطع آراء را به دست بیاورد. گفتمان دولت تدبیر و امید گفتمان «اعتدال» و «قانون اساسی» بود. دولت تدبیر و امید هیچ خط سیاسی را به صورت افراطی و تفریطی پیگیری نمی‌کرد. حسن روحانی با ورود خود به میدان انتخابات ریاست جمهوری، گفتمان اعتدال را در فضای سیاسی کشور مطرح و سپس با تبیین آن اقبال کثیری را به سوی خود جلب کرد و مردم، با رای خود، خواستار این گفتمان یعنی «اعتدال» شدند.

گفتمان اعتدال در سیاست داخلی بر دالهایی همچون دینی، اخلاق‌مداری، حرکت در چارچوب نظام، پاسخ‌گویی به مسایل جامعه، عقل‌گرایی، تخصصی‌گرایی و نخبه‌گرایی، مردم‌سالاری دینی، تقدم توسعه اقتصادی به توسعه سیاسی، پرهیز از خودی و غیرخودی، آزادی‌های اجتماعی و دوری از افراط و تفریط (رادیکالیسم) در سیاست داخلی و خارجی تاکید کرده است (حقیقت، ۱۳۸۵: ۳۳). گفتمان اعتدال متضمن حفظ تعادل و توازن بین سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در رفتار سیاست خارجی بود و یکی از کارکردهای گفتمانی اعتدال این بود که متضمن و مستلزم برقراری توازن ساختاری در سیاست خارجی و استمرار آن باشد. حسن روحانی در همایشی برای تبیین چنین گفتمانی اظهار کرد، من با ادراک خویش از اعتدال، آن را محملی برای بهتر زیستن ایرانیان می‌دانم. باور داشتم که اعتدال آرمانخواهی واقع‌بینانه است، از امیرمومنان آموخته بودم که «هر که همراه آرزوی خویش تازد

مرگش به سردراندازد» و می‌دانستم که آرزوها را باید با بند مقدمات اسیر کرد تا جانب اعتدال رعایت شود (ایزدی و رضایی‌پناه، ۱۳۹۲: ۴۷-۷۴).

در همین راستا گفتمان اعتدال تلاش کرد تا دال مرکزی خود را برجسته کند و آن را عمومیت بخشد. برای این منظور این گفتمان در عرصه‌های سیاست خارجی و داخلی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر سازوکارهای اقناع سازی زیر متمرکز شد:

اول: خروج از انزوای بین‌المللی با برجسته سازی تعامل سازنده در گفتمان اعتدال؛
دوم: رفع تحریم‌ها به واسطه تعامل سازنده و مؤثر با جهان با کاربست استراتژی گفتمان اعتدال؛

سوم: تأکید بر همگرایی دولت و رهبری و عبور از دوگانه‌سازیهایی کاذب
چهارم: اعتدال در سیاست خارجی با پیگیری موضع تنش‌زدایی با قدرت‌های بزرگ
پنجم: کاربست اعتدال در سیاست هسته‌ای از راه همکاری و مذاکره با غرب به جای پیگیری سیاست‌های هزینه ساز و ماجراجویانه؛

ششم: اعتدال در توازن حق و تکلیف در سیاست خارجی و حفاظت از منافع ملی از طریق اعتمادسازی و تنش‌زدایی با جهان؛

هفتم: اعتدال در توازن بر سیاست خارجی و سیاست اقتصادی و پیگیری متوازن هر دو
هشتم: اعتدال در عرصه فرهنگی و اجتماعی از طریق تأکید بر «احیای اخلاق با تشکیل دولت راست‌گویان و درستکاران»؛

نهم: خارج کردن کشور از فضای امنیتی و ایجاد امنیت واقعی با پیگیری سیاست اعتدال در راهکارهای فرهنگی و سیاسی؛
در خصوص مشروعیت‌بخشی دولت روحانی به نظر می‌رسد دولت روحانی با گفتمان خود به این رویکردها نزدیک شد؛

اولویت قرار دادن روابط دوستانه و نزدیک با همه همسایگان؛
تلاش برای خروج پرونده هسته‌ای ایران از شورای امنیت در کنار تکمیل فناوری هسته‌ای؛
حذف تحریم‌ها و جلوگیری از افزایش تنش بین رابطه ایران و آمریکا؛
حل بحران سوریه به وسیله خود مردم سوریه؛
آرمان خواهی واقع‌گرایانه؛

قدرت‌جویی بین‌المللی محاسبه‌گرا؛

تعامل با نظام بین‌المللی؛

موازنه قدرت بر اساس مفهوم اعتدال؛

گفتمان اعتدال به ویژه با همسایگان و رویکرد هزینه_فایده؛
خود داری از درشت سخن راندن در مقابل دشمن و شناخت نقشه‌های آن؛
تدبیر و مدیریت در برابر نقشه‌های دشمن؛
رسیدن به نظر واحد بین دولت و مجلس برای سهم مشکلات داخلی و مسایل جهانی به
منظور سهولت در امور؛

خطا برشمردن اندیشه تقابل و تسلیم با دنیا و پیمودن مسیر تعامل سازنده؛
مجموعاً گفتمان اعتدال را می‌توان برخاسته از گفتمان اسلام ناب دانست چرا که دال
محوری آن دقیقاً برگرفته از متون وحیانی بود. از آن جهت که اسلام ناب محمدی دیانت
اعتدال است و بر خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا تاکید دارد. قرآن در توصیف مسلمان واقعی نیز فرموده
وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا (بقره ۱۴۳) که نشانگر مرکزیت دال «اعتدال» در گفتمان اسلامی
است. از این رو، این گفتمان نیز ذیل گفتمان انقلاب قرار می‌گیرد و تعارضی ندارد.

۶- استنباط و تحلیل نقش تطور گفتمان‌های سیاسی در مشروعیت نظام

سیاسی جمهوری اسلامی ایران

بحث مشروعیت همواره از مهم‌ترین موضوعات هر نظام سیاسی است که نظام سیاسی ج.ا.
نیز از این امر استثناء نیست. در این میان نظرات متفاوتی پیرامون مبانی مشروعیت نظام مطرح و
تعدد تفسیرها از منابع مشروعیت در ج.ا. به وجود می‌آید که به‌طور کلی در دو طیف فکری و
اندیشه‌ای قرار می‌گیرند و به نوعی مشروعیت خود را با کمک از سه گانه مشروعیت وبر،
قانونی می‌دانند، اما در نهایت دو طیف فکری کلان و گفتمان‌ساز در نظام ج.ا. جای دارد،
هرچند که بسیاری از طیف‌های کوچک دیگر نیز می‌توان شاهد بود.

طیف اول؛ برخی از شاگردان و پیروان امام خمینی(ره)، بر اساس جهان بینی و اندیشه
سیاسی خود، صرفاً مشروعیت مذهبی را از مجموع اندیشه‌های ایشان برداشت کردند؛ در طرف
مقابل نیز برخی دیگر، بر اساس اندیشه‌سیاسی خودشان از مشروعیت دموکراتیک حمایت
نمودند. در چنین فضایی بود که چالش‌های نظری و عملی ناشی از بحران مشروعیت، خود را
در قالب دو گفتمان اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در جامعه تعین بخشید. مراد از گفتمان
اصول‌گرایی، تفکری است که در مواجهه با پدیده‌های جدید و مدرن، فهم و اندیشه خود از
متون دینی را معیار نظر و عمل قرار می‌دهد و دستاوردهای عقلانیت مدرن را به لحاظ نظری
در حوزه دولت نمی‌پذیرد. از نگاه آنان، آموزه‌های دینی به دلیل جامع و کامل بودنشان
می‌تواند انسان را در دنیای مدرن اداره کنند. دین در نگاه آنان یک امر جامع و کامل است و
کل یک نظام را، که می‌خواهد بشر را اداره کند، شامل می‌شود(حجاریان و راضی، ۱۳۷۴: ۱۳).

طیف دوم؛ گفتمانی است که هم از نهاد دین در مناسبات سیاسی بهره می‌گیرد و هم به دستاوردهای مدرنیته در توجه می‌کند؛ لذا این گفتمان تلفیقی است از آموزه‌های سیاسی دین و دستاوردهای سیاسی مدرن. در این گفتمان، دریافتی تجربی-تاریخی از متون دینی وجود دارد که وجوهی از دستاوردهای عقلانیت مدرن را در حوزه دولت می‌پذیرد (دارابی، ۱۳۸۸: ۸۱).

حال پرسش اینجاست که این دو طیف سیاسی که در دوره‌های مختلف به قدرت رسیدند و هر کدام گفتمان‌های خود را شکل دادند، آیا (اولاً) موجبات مشروعیت‌بخشی یا مشروعیت‌زدایی از نظام ج.ا. را ایفا کردند؟ و (ثانیاً) هر کدام از این گفتمان‌ها چه نسبتی (سلباً و ایجاباً) با گفتمان انقلاب داشته است.

بعضاً تردیدها و شبهه‌هایی طرح شده که گفتمان‌هایی مثل سازندگی، اصلاحات، و اعتدال نوعی خروج و گسست از گفتمان انقلاب بوده است و یا به تعبیری ژورنالیستی نوعی چرخش به غرب. اما همان گونه که در تحلیل‌های پیش گفته نشان داده شد، نه تنها این گفتمانها در گسست و اعراض از گفتمان انقلاب نبوده‌اند، بلکه هر یک از آنها یکی از دالهای اصلی گفتمان انقلاب را اخذ و آن را تغلیظ کرده است. بدین معنا می‌توان از یک گفتمان مادر یا «کلان گفتمان» سخن گفت که همانا گفتمان انقلاب اسلامی است و این «ریزگفتمان»ها را به نوعی فرزندان همان گفتمان اصلی لحاظ کرد. فرزندانانی که چون در پیوند با مادر گفتمانی خود بودند نه تنها موجبات مشروعیت‌زدایی را فراهم نکردند، بلکه هر یک از آنها در دوره‌ای که طرح شدند توانستند با بسیج توده‌ها موجب تحکیم پایه‌های مردمسالاری دینی ج.ا. را فراهم کنند. مدل استنباطی-تحلیلی تطور گفتمان‌های سیاسی در مشروعیت نظام سیاسی ج.ا. به شکل زیر است:



۱-۶- استنباط مشروعیت بخش دوران تثبیت

مساله مشروعیت پس از انقلاب با توجه به شرایط داخلی و اقتضائات بین‌المللی نیاز به یک دوره تثبیت داشته است که پس از شروع جنگ آغاز می‌شود. در این دوره از مشروعیت کاریزماتیک بیشتر بهره‌گیری می‌شود تا مشروعیت عقلانی و قانونی. هرچند این نوع از مشروعیت را نیز می‌توان شاهد بود اما مشروعیت نظام در دوران تثبیت بیشتر با محوریت «مشروعیت کاریزماتیک» و سپس «مشروعیت سنتی» مفاهمه و تجلی پیدا می‌کند و در آخر «مشروعیت قانونی» نمود پیدا می‌کند که نمونه آن را می‌توان تاثیرگذاری حضرت امام(ره) را شاهد بود. از پیروزی انقلاب تا زمان حیات ایشان مشروعیت سیاسی نظام حول محور اقتدار کاریزمایی ایشان شکل می‌گیرد و در این فضا نظام در اوج مشروعیت خودش بر اساس بنیان‌های الهی و بنیان‌های متافیزیکی مکتب تشیع است که حول محوریت دال متجسد امام خمینی خودش را نشان می‌دهد و بعد از رحلت وی شاهد هستیم که آن غلیان و احساسات بعد از انقلاب و رهبری ایشان فروکش می‌کند و گفتمان سازندگی به وجود می‌آید.

۲-۶- استنباط مشروعیت بخش دوران سازندگی

در گفتمان سازندگی با توجه به اوضاع جامعه از منظر اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیکی و فرهنگی، شاهد نیاز به یک جریان هستیم که مشروعیت آن براساس قانونی و عقلانی به همراه توجه به سنت لازمه آن دوران است. به عبارتی؛ گفتمان اقتصاد آزاد، برآمده از نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشوری است که پس از یک انقلاب اجتماعی، جنگی سخت را از سر گذرانده و اکنون خواهان عادی‌سازی زندگی خویش (Normalization of life) است. این دوران، برابر مرحله‌ای است که بریتون، از آن با عنوان دوره ترمیدور (Thermidor) یا بازگشت یاد می‌کند (بریتون، ۱۳۷۰: ۲۳۹). در سال‌های پایانی جنگ، جامعه ایران بیننده دگرگونی‌های ژرفی در بسترهای گوناگونش بود؛ دگرگونی‌هایی که خواهان بازگرداندن شرایط جامعه ایرانی، به روزگار پیش از بحرانش بود؛ بحرانی که از انقلاب و جنگ سرچشمه گرفته بود. در کابینه هاشمی دولت ترکیبی از «جریان راست» و «چپ سنتی» بود؛ به ویژه شکل‌گیری گروه کارگزاران سازندگی به عنوان راست نوین، که در ادامه اختلافات مهمی را به وجود آورد. بنابراین، در موضع‌گیری نسبت به این دولت، نمی‌توان حکم واحد برای همه جریان‌های حاکم بر آن جاری کرد. در این اشتراکات این جریان‌ها به ویژه در توسعه اقتصادی عمل‌گرایانه تفاوت آرای مهمی از جمله در مبانی نظری رویکرد فرهنگی و سیاست خارجی دیده می‌شد (دولتی، ۱۴۰۰: ۲۷)؛ اما در نهایت از آنجایی که «سازندگی» تجلی همان شعارهای عمران و آبادی گفتمان انقلاب بود، این گفتمان به تقویت مشروعیت آن کمک می‌کرد.

۳-۶- استنباط مشروعیت بخش دوران اصلاحات

گفتمان اصلاحات از نظر مشروعیت وبری، تجلی مشروعیت عقلانی و قانونی بود. این گفتمان خواهان نیل به مدرنیته با توجه به مبانی عقلی-اسلامی بود. این گفتمان دال‌های مرکزی جمهوریت و قانون را برگزیده بود و به سمت کاریزما و سنت‌النفات چندانی نداشت. اگرچه این گفتمان با تاکید رادیکالی که بر جامعه مدنی، حق رای، آزادیهای سیاسی، و تکوین نهادهای مدنی و سازمانهای مردم‌نهاد داشت موجبات تنشهای سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای را فراهم کرد، ولی در نهایت دال مرکزی آن مطلقاً تعارضی با گفتمان انقلاب نداشت. هر دو بر مدار «جمهوریت» تکوین پیدا کرده بودند و خواهان ایجاد سازوکارهایی بودند تا به واسطه آنها اراده مردم در سیاست متجلی شود. بدین لحاظ به رغم همه تنشها، این گفتمان موجبات شکل‌گیری مشروعیت قانونی-عقلانی ج.ا. را فراهم کرد.

۴-۶- استنباط مشروعیت بخش دوران عدالت

عدالت مهمترین دال مرکزی این گفتمان بود و دیگری (other) آن گفتمانهای پیشین بودند که به تعبیر متولیان این گفتمان عدالت‌ستیز یا حداقل بی توجه به عدالت بوده‌اند. همچنین گفتمان عدالت فضایی که علیه دو گفتمان رقیب - سازندگی و اصلاحات - طراحی می‌کرد، آنها را غرب‌گرا و مروج ارزش‌های مادی نشان می‌داد. بنابراین، این گفتمان میکوشید تا با مفصل‌بندی برخی مفاهیم در سیاست داخلی، همچون مهرورزی، عدالت‌گستری، مهدویت و توحیدگرایی؛ و در حوزه سیاست خارجی، مانند مبارزه با نظم نوین جهانی و مبارزه با آمریکا و غرب، خود را هویت‌یابی کند. اگرچه هر دو گفتمان قبل حول محور جمهوریت نظام و پذیرفتن نظم نوین جهانی بودند، گفتمان عدالت محور آن قواعد و قوانین بین‌المللی را خارج از عدالت می‌دانست و به تغییر اینگونه قوانین تمرکز داشت. بنابراین میتوان گفت که این گفتمان از دو جهت با گفتمان انقلاب هم‌پوشانی‌های قابل توجهی داشت: اولاً بر دال عدالت تاکید می‌کرد؛ و ثانیاً خواهان تغییرات انقلابی در داخل و خارج از کشور بود. از این جهت این گفتمان مطلقاً تعارضی با مبانی مشروعیتی نظام نداشت.

۵-۶- استنباط مشروعیت بخش دوران اعتدال

اگرچه در فضای سیاسی ایران این بحث مطرح بود که اساساً دولت تدبیر و امید گفتمان نیست، بلکه روشی است برای ایجاد تعادل بین دو وجه جمهوریت و اسلامیت نظام. اما به نظر می‌رسد که ویژگیهای گفتمان را دارا بوده که دال مرکزی‌اش «اعتدال» است که می‌کوشید خود را حد میانه دو طیف اصول‌گرایی و اصلاحات تعریف کند. این گفتمان ارتباط نزدیکی با عقل‌مصلحت‌اندیش و محافظه‌کاری داشت و از این رو با اصلاح‌طلبی رادیکال مرزبندی

می‌کرد و از سویی دیگر، به دنبال رفتارهای عقلانی و تعاملی بود، فلذا با اصولگرایی مدرن‌ستیز متفاوت می‌نمود. در همین راستا، اعتدال در سیاست خارجی، پرهیز از افراط و تفریط برای نیل به تفاهم در نظام بین‌الملل را در دستور کار داشت، لذا بیشتر طیف متخصص تکنوکرات را در دولت به کار گرفته بود. در دولت اعتدال یک نوع تغییر رویکرد گفتمانی در ارتباط با نگاه به غرب در غالب برج‌ام‌رخ داد که دال مرکزی سیاست خارجی‌اش محسوب می‌شود و مشروعیت‌بخشی خود را با رونق و شکوفایی اقتصادی و احترام به جامعه ایرانی در مجامع بین‌المللی از منتظر سیاست خارجی و احترام به حقوق شهروندی و آزادی نسبی در سیاست داخلی، همراه کرد. این گفتمان مبانی مشروعیت‌بخشی نظام را در مولفه‌های عقلانیت و قانونیت می‌دید و از همین زاویه به دنبال تثبیت مشروعیت نظام بود، و به رغم برخی تفاوت‌های مورد - که طبیعی زندگی سیاسی است - در نهایت ذیل گفتمان انقلاب ماند و تنش رادیکالی ایجاد نکرد.

نتیجه‌گیری

پرسش اصلی این تحقیق معطوف بررسی نزاع‌های گفتمانی در ایران پساانقلابی بود که در همین راستا مطالعه موردی انتخابات‌های ریاست جمهوری به عنوان گستره تحقیق انتخاب شده بود. در همین راستا، در این مقاله پنج نوع گفتمان؛ تثبیت، سازندگی، اصلاحات، عدالت، و اعتدال بررسی شد و دال‌های مرکزی آنها در سیاست خارجی و داخلی با توجه به اوضاع، اقتضائات و زمینه و بسترهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مورد تأمل قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که اگر الگوی مشروعیت سه‌گانه وبری، معیار قرار گیرد، هر یک از این گفتمانها به یکی از الگوهای مشروعیت وفادار مانده است و مشروعیت نظام ج.ا. را از منظر همان الگو تقویت کرده است. از سویی دیگر، از آنجایی که گفتمان انقلاب اسلامی یک گفتمان فراگیر و چندضلعی بود، در منظومه دال‌های خود، مفاهیم گفتمانی بسیار متعددی داشت، که هر یک از این گفتمانها یک یا چند دال همان گفتمان انقلاب را اخذ و تغلیظ کرده بودند. به همین دلیل می‌توان گفت که گفتمان انقلاب اسلامی و پنج گفتمان پساانقلابی در نهایت یک منظومه کهکشانی را می‌سازند که در کانون آن گفتمان انقلاب اسلامی قرار دارد و در دوایر تو در تویی که بر محوریت آن رسم می‌شود، الباقی گفتمانها دوران دارند. این گفتمانها اگرچه بعضاً با جذب و دفع‌هایی به یکدیگر واکنش نشان می‌دهند، ولی نهایتاً همگی بر محوریت همان گفتمان اصلی و به نوعی در زیرمجموعه آن و بخشی از خانواده انقلاب‌اند.

منابع و مآخذ:

- ازبیر لاریجانی، محمدجواد. (۱۳۷۳). **حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی**. تهران: سروش.
- ایزدی، رجب و امیر رضایی پناه، (۱۳۹۲)، **مبانی اجتماعی و اقتصادی تحول در گفتمان جمهوری اسلامی ایران، جستارهای سیاسی معاصر**. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ۴، شماره ۴.
- برزین، سعید. (۱۳۷۸). **جناح بندی سیاسی در ایران از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶**. تهران: مرکز.
- بریتون، کرین. (۱۳۷۰). **کالبدشکافی چهار انقلاب**. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: نشر نو.
- بیتنام، دیوید. (۱۳۹۰). **مشروع سازی قدرت**. ترجمه محمد عابدی اردکانی. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- پژویان، جمشید. و [دیگران]، (۱۳۸۷)، **مقایسه تحلیل عملکرد اقتصادی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی**. **راهبرد یاس**. شماره ۱۵.
- تاجیک، محمدرضا، و محمد روزخوش، (۱۳۸۷)، **بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان**. **مسائل اجتماعی ایران**. شماره ۵.
- حسینی زاده، سید محمد علی. (۱۳۸۶). **اسلام سیاسی در ایران**. قم: موسسه انتشارات دانشگاه مفید.
- حقیقت، سیدصادق. (۱۳۸۵). **مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی**. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
- خلیلی، عزیزالله، پورعزت، علی اصغر، جعفری، محمدحسن، (۱۳۹۶)، **کاربرد روش استنباطی-تحلیلی در پژوهش‌های مدیریتی، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی**، سال هفتم، شماره ۱۶، صص ۹۳-۱۱۲.
- دارابی، علی. (۱۳۸۸). **جریان‌شناسی سیاسی در ایران**. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دوگان، ماتیسه، (۱۳۷۴)، **سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد**. **اطلاعات سیاسی و اقتصادی**. شماره ۹۷ و ۹۸.
- دولتی، مجتبی، (۱۴۰۰). **نقد گفتمان دولت‌های پس از انقلاب اسلامی با معیار گفتمان انقلاب اسلامی**. تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
- رازی، حسین و سعید حجاریان، (۱۳۷۴)، **مشروعیت، دین و ناسیونالیسم در خاورمیانه**. **مجله فرهنگ توسعه**. شماره ۱۸.
- رجایی، فرهنگ، (۱۳۶۹)، **بحثی پیرامون قدرت**. **مجله سیاست خارجی**. شماره ۱ و ۲.
- رنوف، عادل، (۱۳۹۳). **گفتمان انقلابی و دولت انقلابی**. ترجمه محمد زمان راستگو. تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زارع، عباس، (۱۳۸۰). **مبانی مشروعیت و قدرت در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۵ - ۱۳۵۷**. تهران: مؤسسه فرهنگ و دانش.
- زیباکلام، صادق و فرشته سادات اتفاق‌فر. (۱۳۸۷). **هاشمی بدون روتوش**. تهران: روزنه.
- کاسیرر، ارنست. (۱۳۹۴). **افسانه دولت**، ترجمه نجف دریا بندری. تهران: خوارزمی.
- کدی، نیکی آر. (۱۳۷۷). **ریشه‌های انقلاب ایران**. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: شرکت انتشارات قلم.
- لیست، سیمور مارتین. (۱۳۸۳). **دایرةالمعارف دموکراسی**. ترجمه به سرپرستی کامران مفانی. تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- ویر، ماکس، (۱۳۷۴). **اقتصاد و جامعه**. ترجمه عباس منوچهری و دیگران. تهران: نشر مولی.
- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۲). **روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی**. تهران: آوای نور.
- Ehteshami, A. & M. Zweiri (2007). **Iran and the Rise of its Neoconservatives: The Politics of Tehran's Silent Revolution**. London: I. B. Tauris.
- Ehteshami, A. & M. Zweiri (2008). **Iran's Foreign Policy from Khatami to Ahmadinejad**. Ithaca. N. Y: Ithaca Press.
- Gheissari, A. , & Nasr, V. (2009). **Democracy in Iran: History and the quest for liberty**. Oxford University Press.
- Kurian, G. T. (2011). **The Encyclopedia of Political Science**. Washington D. C: CQ Press, Division of SAGE.
- Tazmini, Gh. (2009). **Khatami's Iran: The Islamic Republic and the Turrulent Path to Reform**. London: I. B. Tauri.